

پیامبر خدا (ص):

هر که چشمش به دست مردم باشد، اندوهش دراز و افسوسش پایدار شود.

**سخن روز**

**اعلام‌الدین:ص ۲۹۴**



**نگاره**

فرهاد آرام‌رارد

مراقب سود جویان واکسن تقلبی باشید

فضای مجازی هنرمندان خصوصاً هنرمندان تئاتری دیروز متأثر از درگذشت صادق صفایی یکی دیگر هنرمندان جوان این حوزه بود. بسیاری از چهره‌های شاخص، درگذشت این کارگردان، بازیگر و بازیگر تئاتر را تسلیت گفتند و به آثار شاخصی که از او به یاد مانده اشاره کردند.

**هنرمندان در فضای مجازی**

**مرگ شوک برانگیز یک استاد**

**گلاب آدینه**، در واکنش به خبر درگذشت این هنرمند باسابقه تئاتر استوری‌ای در اینستاگرام خود گذاشت و با انتشار عکسی از این هنرمند فقید نوشت: «**صادق صفایی** نازنین:انسان و هنرمند وارسته پرواز ناگهان ات تمام دوستدارانت را شوکه کرد.» نادریرهای مرند هم در واکنش به فقدان این بازیگر تئاتر با یک استوری به او ادای احترام کرد و نوشت: «سفرت سبز صادق جان». شهره لرستانی در اندوه درگذشت صادق صفایی در اینستاگرام خود با انتشار عکسی نوشت: **هم باز کوچ...** باز هم رفتن. این بار هم کلاسی دوران دانشگاهم صادق صفایی:همچران، عزیز، مودب، باسواد، به یاد تئاترهایی که در استودیوهای دانشکده هنرهای زیبایازی می کردیم. به یاد ترم موشکی، به یاد برشت خواندن زیر پیماران عراقی‌ها... و بعد سینما... او هم بازی کرد در خوابگاه دختران، از کرخه تا راین، وقتی همه خواب بودند و بسیار فیلم‌ها و دو جایزه بازیگری جشنواره فجر و عضویت در هیأت علمی دانشگاه و تدریس و کار و کار و کار... آخر هر بیماری قلب می‌ایستد و حیف از قلب‌های هنرمندان عزیزی که یک‌به‌یک پری‌رمی شوند. به تمام هم دانشگاهی‌های عزیزم در دیار تمان تئاتر و نمایش، این ضایعه دردناک را تسلیت می گویم. مهدی سلطانی در اندوه درگذشت دوستش صادق صفایی با انتشار تصویری نوشت: «دوست صادقم، رفیق با صفایم، همکار عزیزم، چه غریبانه، چه بی باورانه، چه شگفتانه پر کشیدی، هر چند چندی است دیگر هیچ چیز بر ایلم شگفت انگیز نیست.»

**سوسن پرورد** در اندوه درگذشت صادق صفایی ضمن تسلیت در اینستاگرامش نوشت: «صادق صفایی عزیز هم رفت عجب بازیگری بودی جناب صفایی. چه اندک می شویم. چه تنها می شویم. چه خالی می شویم. این بود زندگی؟؟»

**برزور جمند** هم با انتشار عکسی از فیلم «سفر سرخ» در اینستاگرام خود یادداشت کرد: «رفیق، چرا اینقدر زود؟ باورم نیست، تمام خاطراتمون در فیلم سفر سرخ جلوی چشمامه، مرد عاشق پیشه، مرد باسواد، مرد کاریلد، چه حیف، حیف، روحش شاد رفیق، روحش آرام صادق جان صفایی»

**صفحه رسمی تئاتر شهر** هم در اینستاگرام به بهانه درگذشت زنده نام صادق صفایی عکس‌هایی از او در نمایش‌هایی مثل «اگر باران بخواهد» به کارگردانی آرش آلسالان و نمایش «کمدی مرگ» به کارگردانی صادق صفایی منتشر کرد. صادق صفایی (۲۶ آبان ۱۳۴۰ – ۵ شهریور ۱۴۰۰) کارگردان و بازیگر سینما، تئاتر و همچنین عضو هیأت علمی دیار تمان نمایش دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی دانشگاه تهران بود. او دو بار در جشنواره فیلم فجر برای بازیگری جایزه دریافت کرد. صفایی در پنجم شهریور ۱۴۰۰ در سن ۵۹ سالگی بر اثر سکت قلبی درگذشت.

■ **چه خبر؟**

**اسدالله امرایی** مترجم در اینستاگرامش خبر خوبی منتشر کرده است. او نوشته: «خبر خوش: مرکز مطالعات ایران شناسی ساموئل جردن دانشگاه کالیفرنیا(یوسی‌آی) اعلام کرده که الهام گردی شاعر ایرانی مقیم آمریکا به‌عنوان شاعر میهمان در سال تحصیلی ۲۰۲۱-۲۰۲۲ در این دانشگاه حضور خواهند داشت. از خاتم گردی (عطر زنی در آسانسور) در انتشارات نیماز و «آنتولوژی شعر امروز ایران» هم به همت ایشان و آقای کورش بیگ‌پور منتشر شده بود. شعرها و ترجمه‌های خانم الهام گردی در نشریات آنلاین گاهنامه‌های ادبی منتشر شده است. ضمن تبریک به خانم گردی برای ایشان آرزوی توفیق بیشتر در معرفی ادبیات ایران داریم.

**بابک زرین** آهنگساز و تنظیم‌کننده با انتشار پستی در اینستاگرام از منتشر شدن قطعه موسیقی «جنون» به‌عنوان تیتراژ پایانی سریال افرا با صدای سعید شریعت خبر داده است.



### امیدوارم با شهدای شیمیایی محشور شود

**ابراهیم حاتم‌یکه**، صادق بود و صدق و صراحتش اجازه نفوذ کمتری نمی داد. شرطی برای بازی در «از کرخه تا راین» «با و گذاشتیم که باید در اوقات غیربازیگری اش – که زمان کمی هم نبود- به گروه فیلمسازی کمک کند تا ما کمتر از عوامل آلمانی استفاده کنیم. او قول همکاری داد. اوایل به قولش وفا کرد، ولی هر چه پیش رفتیم کم‌تر تن به همکاری می داد. از او دلخور بودم که چرا به شرطش عمل نمی کند، غافل از این که صادق صفایی چنان در نقش نوذر فرو رفته بود که همچون بچه‌های شیمیایی شده رنجور دیگر حوصله‌ای نداشت. نتیجه‌اش ماندگار شدن نقش «نوذر» در فیلم «از کرخه تا راین» شد. خدایش بیامرز د و او را باشد ای جنگ تحمیلی مخصوصاً شهدای مظلوم شیمیایی محشور کند.

یادداشت این فیلمساز درباره صادق صفایی بازیگر فقید از کرخه تا راین

به بهانه باز نشر مجموعه آثار هوشنگ چالنگی / نشر افراز

## فراموشی همیشه برنده میدان نیست

پیرمرد؛ با آن قد بلند و چشم‌های جنوبی‌اش که انگار دور ترها را بیشتر و بهتر از ما می‌بیند، دوست داشتی ست. از آن آدم‌های کم حرف که دلت می‌خواهد عین بچه‌های ظهر تابستان که نمی‌گذارند چشم روی چشم بگذاری و چرتی به چشمت بباید؛ به جان سکوتش بیفتی تا شاید به شنیدن چند کلمه که هر چه می‌خواهد باشد با لحن و لهجه‌اش بیشتر آشنا شوی. نخستین سال‌های دهه هفتاد که از پس جنگ و جهنم دره‌های مانده از جنگ، به شعر رو کرده بودیم، یکی از آن آدم‌هایی که «نام» داشت و «نشان» نداشت؛

«هوشنگ چالنگی» بود. در هر چه که می‌شنیدیم و هر چه که می‌خواندیم، بود، اما به طرز ترسناکی باید به همان اندازه کفایت می‌کردیم.

حساب و کتاب ما با هوشنگ چالنگی به قدر صفحاتی از پژوهش‌ها و بندهایی از مقالات و سطرهایی از شعرهایش در خلال همین‌ها که گفتم خلاصه می‌شد. همین قدر می‌دانستیم که در سال ۱۳۲۰ در مسجدسلیمان زاده شده است. از پس غزل نویسی‌ها و تالیفات نیمایی، شهروند شعر مدرن دهه چهل می‌شود. از این جا به بعد نام او را در کنار دیگرانی همچون «بیژن الهی»، «بهرام اردبیلی» و «محمود شجاعی» می‌خواندیم و می‌دانستیم که در زبان‌ورزی و

#### پیاده رو



ارفعان بهداروند  
شاعر

پیرمرد و دریای «ارنست همینگوی» است. دو پیرمرد که هر دو امیدوارانه رنج می‌کشند تا دست خالی از میدان برنگردند. چالنگی دقیقاً شبیه سانتیاگو یا پرندۀ ماهی و دریا و زمین و آسمان حرف می‌زند. آن چه او اندیشیده و خلق کرده است؛ چنان سزاوار هست که به ما‌هی غول‌بیکری که در قلاب سانتیاگو گیر افتاده بود، تشبیه شود. نسبت ما به هوشنگ چالنگی هم می‌تواند از قرار قرابت پسری باشد که او را برخلاف پدر و مادرش قهرمان می‌داند و ایمان دارد که او می‌تواند...

چاپ دوم مجموعه آثار هوشنگ چالنگی که به همت نشر افراز منتشر شده است، می‌تواند گواهی گرمی باشد که همیشه فراموشی نمی‌تواند برنده میدان باشد.

### اقبال مردم در ایام کرونا به هیأت‌ها و عزاداری ابا عبدالله بیشتر شده است

یکی از موضوعات جدی برپایی هیأت‌های عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) در محرم بحث حکمرانی هیأت است. طبق استانداردهای دنیا ما شش شاخه‌م داریم که در بحران‌ها حاکمیت تصمیم‌گیری می‌کند و وقتی سیستم حاکمیت و ساختارهای آن در جامعه به سمت شبکه‌ها برود و آنها بتوانند تأثیر بگذارند، بنابراین نیاز است که بین مردم و حاکمیت یک جریان و شبکه میانی تشکیل شود تا مفاهیم بلند خود را با نیازهای مردم همسو کنند و در یک مسیر دوطرفه تصمیم درست اتخاذ شود. در کرونا چون بحث با مدیریت مناسک دینی است و مناسک دینی بر اساس ساختارهای بانک جهانی نمی‌گنجد، بنابراین مقام معظم رهبری شاخص‌های حکمرانی دینی را می‌شمارند که شش تا آن به جریان کرونا و مدیریت مناسک دینی سازگار دارد.

جامعه متدین ما یکسری عناصر تأثیر گذار دارند و آن هم مداح و سخنران و مسئول هیأت‌ها هستند و آن سوهم روشنفکران و جامعه علمی است که این دو طیف باهم بر سر موضوعاتی درگیرند. تعارضی که اکنون به وجود آمده این است که هیأتی‌ها می‌گویند روضه امام حسین دارالشفاعت و کسی در آن کرونا نمی‌گیرد و اهل علم می‌گویند که این حرف‌ها نیست. تنها کسی که توانست این تعارض را راکم کند مقام معظم رهبری هستند. این اتفاق جدیدی است که دنیا از آن مدل استفاده می‌کند و آن این است که مناسک دینی با رعایت پروتکل‌ها در فضای بیرون برگزار می‌شود. چرا که انسان بجز نیاز جسمی نیاز معنوی هم دارد. حاکمیت باید طوری برنامه‌ریزی کند که نیازهای معنوی بشریت هم پاسخ داده شود. محرم مهدی و موسات می‌آورد. اینجا مشخص است که اگر ما دست بر نیازهای معنوی بگذاریم خیلی از مسائل جامعه را می‌توانیم حل کنیم. اگر در جایگاه اسلام بخواهیم حرف بزنیم و تصویر اسلامی به مردم نشان دهیم، شبها تا ما پاسخ داده نمی‌شود و عقلانیت امروز آن را نمی‌پذیرد. متأسفانه گاهی برخی مداحان حرف‌هایی می‌زنند که اشتباه است. اگر بخواهیم به شبها پیش آمده در فضای مجازی پاسخ دهیم متأسفانه طوری پاسخ نمی‌دهیم که افغان به وجود بیاید. هیأت‌ها امروز وارد عرصه حکمرانی شدند. شریعت یکسری نیازهایی دارد که حکومت باید آنها را تأمین کند. مثل برنامه زیارتی، وقتی رادیکالی برخورد شود و کلاً تعطیل شود وقتی فقط یک سناریو داشته باشیم باعث می‌شود که طیفی از جامعه به مقابله برخیزند. اگر فلان مداح در فلان هیأت سروشیده حرفی خلاف علم زده است، برای اینکه فکر کرده روضه امام حسین را می‌گویند. پس باید ما در بسته‌های حکمرانی مدل‌های مختلف ارائه کنیم تا چنین اتفاقاتی نیفتد. چرا به سلامت مردم در حوزه مناسک دینی وزن بیشتری می‌دهیم؟ و با نگاه بالاتری نسبت به سایر مراسم جامعه نگاه می‌کنیم؟ چه کسی بر اساس آمایش میدانی امار گرفته که هیأت‌ها اینقدر کرونازا بوده‌اند؟ باید این مسأله بررسی شود. آیا تأثیرات شمال هیچ وزنی ندارد؟ مشخص است که اگر فی قلوب مرض حساب نکنیم یعنی جایگاهی برای نیازهای معنوی مردم در نظر نگرفته‌ایم. اما حضرت آقا چه کار کردند؟ گفتند باید بر اساس رعایت در فضای بیرونی و تجهیزات ضد عفونی مراسم برگزار می‌کنند و من مداح هم وظیفه دارم در این فضا بخوانم. من باید به هر دو مسأله وزن واحد بدهم؛ هم کار دینی خود را انجام دهم و هم تأکید بر اجرای مسائل بهداشتی داشته باشم. در این دو محرمی که در کرونا گذشت، اقبال مردم به خاطر خلا‌های روحی به شرکت در مراسم عزاداری بیشتر شده است.

### «طنز آوران امروز ایران» را ۱۰ بار هم بخوانید می‌ارزد

در دهه هفتاد، طراح مجله دنیای سخن بودم و طرح‌های صفحه «حالا حکایت ماست»، عمران صلاحی را هم کار می‌کردم. طنزها و شعرهایش در خیلی دوست دارم. هفته قبل در قفسه کتاب‌های خانه پدر خاتم که خود نویسنده بیش از ۴۰ کتاب است، کتاب «طنز آوران امروز ایران» را یافتم. با اینکه در همان سال ۸۴ خوانده بودم اما دوباره نشستیم و خواندمش. باور کنید به ده بار

خواندم هم می‌ارزد، چرا که طنز را از قلم سر آمدان این حیطه می‌خوانید. از صادق چوپک گرفته تا خسرو شاهانی و پرویز کلاتری و... برای همین خواندنش را توصیه می‌کنم. در مورد فیلم باید بگویم با اینکه آخرین فیلمی که دیدم اسلیپی هالوئی تیم برتون بود که بعد از چند دهه، دوباره با دقت دیدم اما می‌خواهم در مورد یک فیلم دیگر حرف بزنم که قبل از این دیدم. فیلم «بهشت حتماً همین است» از ایلیا سلیمان، کارگردان فلسطینی. واقعیت این است که کسانی که به کارهای ایلیا سلیمان علاقه داشته باشند کم نیستند اما بی‌شک مطابق سلیقه مرسوم نیست. او نه مثل روی اندرسون راکد و بدون تحرک است و نه مانند سلیقه مرسوم هالیوودی، با ضرب آهنگ تند حرکت می‌کند. ایلیا سلیمان در غالب فیلم‌هایش بازی کرده است. شاید بشود او را با باستر کیتون مقایسه کرد.

را با باستر کیتون مقایسه کردم. صورت بی‌احساس او و بازی خاصش، بیننده را به یاد باستر کیتون می‌اندازد. ایلیا سلیمان در تمامی فیلم‌هایش، شروع درخشانی دارد، کافی است فیلم مشیت الهی و زمان باقیمانده او را به یاد بیاورید. در فیلم آخرش هم که محصول ۲۰۱۹ است، شروعی فوق‌العاده دارد. او مناسبات آدم‌ها و قواعد حاکم را موضوع فیلم‌هایش قرار می‌دهد. شاید بشود کارهایش را زیرمجموعه کمدی انزورد قرار داد.

#### پیشنهاد



جمال رحمانی  
کارگردان و ریست



آدم‌ها و قواعد حاکم را موضوع فیلم‌هایش قرار می‌دهد. شاید بشود کارهایش را زیرمجموعه کمدی انزورد قرار داد.

#### عکس نوشت

خبرگزاری بین المللی قرآن گزارش تصویری از کاروان نمانین اسرای کرپلا منتشر کرده است. این کاروان هم‌زمان با ۱۹ محرم در قم به سوی حرم حضرت فاطمه معصومه (س) حرکت می‌کنند تا یاد اهل بیت اهل عصمت و طهارت (ع) را زنده نگه دارند.



#### پسر همسایه یک بار از من پرسید:

«این آدم‌زیر

زمین چی کار

می‌کنن؟ بعد

جنگ، آدمای

زیر زمین بیشتر از

آدمای روی زمین

شدن.»

جنگ چهره زنده ندارد  
سولتا نا آکسنادرونا الکسیویچ

منابع نهضت عاشورا - ۱۶

### «کشف الغمه» اثری برای مخاطب غیر شیعی

#### آیین

اسماعیل علوی  
دبیر گروه یادآری

«کشف الغمه فی معرفه الانمه» کتابی در دو جلد به زبان عربی، تألیف بهاءالدین علی بن عیسی اربیلی (۶۲۰ تا ۶۲۵-۶۹۲ ق) محدث وعالم شیعی قرن هفتم، از مردم شهر اربیل نزدیک موصل در شمال عراق است. اربیلی در یک خانواده کرد شیعه متولد شد سپس برای تحصیل و تکمیل دانش خود به بغداد رفت و اکثر سال‌های عمر را در بغداد اقامت داشت. به اجماع علمای شیعه، وی عالمی متبحر، فقیهی نامدار و محقق متنبوع بوده است. کشف الغمه اثر ماندگار وی در موضوع تاریخ چهارده معصوم تألیف شده و چون دوران حیات وی با زمان زوال دولت عباسیان مصادف بوده و شیعیان دیگر خوفی از دستگاه عباسی نداشتند، ضمن آن به ترویج فضائل اهل بیت(ع) پرداخته است. از این رو ۴۰۰ صفحه از کتاب دو جلدی کشف الغمه به فضائل امیرالمؤمنین علی(ع) اختصاص دارد. وی در کتاب خود همه جا ابتدا روایات اهل سنت را آورده، بعد روایات امامیه را نقل کرده است، تا استدلال نزد آنان راحت‌تر باشد. در شرح وقایع عاشورا نیز بیشترین مطالب را از علمای اهل سنت روایت کرده است.

در آن مقطع اهل سنت اهمیتی به ماجرای کرپلا نمی‌داد، اربیلی با این کار خود نظر آنان را به موضوع رخداد کرپلا و حوادث قبل و بعد آن در آینده گفتار، گزارش‌ها و روایات عالمان اهل سنت جلب نمود. کشف الغمه از زمان تألیف مورد توجه عالمان دینی و مردم عادی قرار گرفته و همواره یکی از منابع تاریخ عاشورا محسوب شده است و علمای بعد از وی به آن استناد کرده‌اند. این کتاب از سوی عالمان شیعی توثیق و گفته‌اند نقل‌هایش صحیح و چیزی که نادرست باشد در آن راه نیافته است. تا آنجا که این کتاب از جمله منابع «وسائل الشیعه» و «بحارالانوار» است.

بهاءالدین اربیلی صراحتاً تشیع خود را اعلام و اهل بیت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) را ثانی تقلین دانسته، دوستی و دشمنی با آنان را دوستی و دشمنی با خدا عنوان کرده است. او چند منظره با دانشمندان سایر مذاهب پیرامون این موضوع نیز داشته است.

از این رو در پایان هر باب از کتاب خود قصیده‌ای در مدح یا مرثیه اهل بیت پیامبراکرم(ص) بویژه ابا عبدالله الحسین(ع) و یاران باوفایش که خود سروده آورده است.



که برداران اهل سنت به تاریخ ائمه و فضائل آنان نپرداخته اند و حتی برخی عالمان آنان نام ائمه را هم نمی‌دانند، به تاریخ و شخصیت امامان معصوم پرداختم، تا حقایقت آنان بر همگان روشن گردد. همچنین غالیان و غلوکنندگان پیرامون فضائل ائمه نیز دست از اعمال خود بردارند.»

اربیلی در تدوین کتاب کشف الغمه از آثار و منابع مورخین و محدثین پیش از خود بهره گرفته و عمده مطالب خویش را از آنان نقل می‌کند. منتهی برای گزارش‌ها و روایات تاریخی به تناسب اهمیت هر یک توضیحات و نقدهای خویش را نیز آورده است.

مؤلف در تألیف این کتاب از شیوه کلامی بهره گرفته و وقایع دوران حیات امامان شیعه را با ادله عقلی همراه ساخته. از همین نظرگاه نیز به اثبات امامت، معجزات و کرامات امامان معصوم(ع) پرداخته است. این شیوه نگارش موجب شده تا نویسنده در ارزیابی نقد ناقدان و انتقادات مخالفان، به گونه‌ای علمی و با تکیه بر اخبار تاریخی دوری کند. تا جایی که گاه آراییی متفاوت با آرای رسمی دیگر عالمان شیعه ابراز کرده است.

کتاب کشف الغمه به‌دلیل جایگاه ویژه‌اش در نقل روایت‌های تاریخی پیرامون وقایع تاریخ اسلام بویژه حادثه کرپلا خیلی زود مورد توجه عالمان اسلامی بویژه اندیشمندان شیعی قرار گرفت و به سایر زبان‌ها ترجمه شد.

